

بررسی رابطه نوع حجاب و میزان امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تهران

پوران‌دخت فاضلیان*

چکیده

در این پژوهش، پس از واکاوی ادبیات تجربی و نظری پیرامون موضوع، سعی شده است با رویکرد نوینی به پدیده حجاب توجه شود؛ بر همین اساس، برخلاف تحقیقات پیشین که در آنها، حجاب یا پوشش اسلامی و امنیت به‌طور منفک بررسی شده بود، در این پژوهش، رابطه بین حجاب و امنیت اجتماعی در بین زنان بررسی و شده است.

از آنجاکه حجاب زنان یکی از ارکان اصلی نظام ارزشی جامعه ما قلمداد می‌شود، نوع آن در بین زنان می‌تواند اهداف مهمی را در جامعه دامن زند پوشش غیراسلامی زنان، خود، می‌تواند زمینه‌ساز برخی هنجارشکنی‌ها و فرصت‌مناسبی برای تهدیدگران اجتماعی باشد، و به همین دلیل انجام چنین پژوهشی ضرورت پیدا می‌کند. این پژوهش در بین ۱۰۰۰ نفر از زنان تهران با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در اماکن عمومی شهر تهران اجرا و اطلاعات از طریق پرسشنامه و مصاحبه شفاهی گردآوری شده است. یافته‌های حاصل از این پژوهش با کاربرد آماره‌هایی چون Eta، ضریب توافقی پیرسون (Contingency Coefficient) و F تحلیل شده است و نشان می‌دهد که بین نوع حجاب زنان و میزان امنیت اجتماعی آنها، و نوع تهدیدات وارده به آنها و احساس امنیت فردی آنها، رابطه معنی‌داری به‌لحاظ آماری وجود دارد. همچنین نتایج به‌دست آمده از اجرای رگرسیون تصنعی، بیانگر آن است که مقدار واریانس تبیین‌شده متغیر امنیت اجتماعی با نوع پوشش ۰/۲۲ است.

* استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران Fazelian@tmu.ac.ir

تاریخ ارسال: ۸۹/۶/۱۳، تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۲۱

کلیدواژه‌ها: حجاب (اسلامی و غیراسلامی)، امنیت اجتماعی، امنیت فردی، امنیت سیاسی، امنیت فرهنگی، امنیت اجتماعی - فردی.

مقدمه

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، این اندیشه مطرح شد که دین باید به متن زندگی اجتماعی مردم ایران بازگردد و عهده‌دار تنظیم و اداره امور مختلف جامعه شود؛ و تلاش شد که نظام‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی براساس اصول دین اسلام بازسازی شود تا بدین وسیله الگوی حکومت دینی ایجاد و به کل جهان صادر شود. اما ایجاد الگوی حکومت دینی، کار خطیری است که رسالت و کوشش حوزه و دانشگاه را می‌طلبد، لذا با توجه به ضرورت حاکمیت دینی در تمامی شئون زندگی، انقلاب اسلامی می‌تواند با حفظ وحدت کلمه، الگویی برای زندگی کل بشر و از جمله زنان ملل مسلمان طراحی کند.

هر جامعه‌ای براساس فرآیند زندگی اجتماعی و تعامل با جوامع دیگر، فرهنگی را تولید و با آن زندگی می‌کند. از نظر پارسونز، فرهنگ دارای دو عنصر اصلی تشکیل شده است: ارزش‌ها و اندیشه. در هر فرهنگی، برخی ارزش‌ها حالت ویژه‌ای پیدا می‌کند و به عامل اتحادبخش و انسجام‌بخش آن جامعه تبدیل می‌شوند. در ایران اسلامی نیز ارزش‌های برخاسته از دین مبین اسلام، این وظیفه خطیر را برعهده دارند. بدیهی است که تضعیف این ارزش‌ها به هر عنوان و پوششی که باشد، باعث ایجاد شکاف بین مردم خواهد شد. در بین این ارزش‌ها، برخی به نمادی آشکار برای آن فرهنگ تبدیل می‌شوند. در جامعه ایران، پوشش اسلامی یکی از این نمادها است و چون یکی از ارزش‌های اساسی نظام اسلامی است، به یک الگوی رفتاری عام تبدیل شده است. آنچه در آیات قرآن کریم و روایات اسلامی تصریح شده، لزوم پوشیدگی زن در اجتماع و در برابر مرد بیگانه است که یکی از اصول مهم اسلامی به‌شمار می‌رود. درخصوص حجاب زن نیز نحوه تربیت مذهبی ما، اهمیت ویژه‌ای در خانواده، مدارس، مراکز دینی و ... دارد. در حوزه حقوقی نیز تأکید تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مبنی بر الزامی بودن پوشش اسلامی است (که تخطی از آن را مستوجب حبس از ۱۰ تا ۶۰ روز و یا جریمه نقدی از ۵۰ هزار ریال تا ۵۰۰ هزار ریال دانسته است) (جهانگیر، ۱۳۸۲: ۱۷۶).

طرح مسئله

با نگاهی به جامعه خود در دهه‌های اخیر، متوجه تغییرات مفهوم «حجاب» در اذهان و عملکرد افراد جامعه می‌شویم. مفهوم حجاب خانم‌ها برای بسیاری از دختران و حتی پسران، از قالب چادر و مانتوی بلند غیربدن‌نما و تیره خارج شده و تعاریف متعدد، متفاوت، پیچیده و بعضاً چندگانه‌ای پیدا کرده است. شایان ذکر است که این تغییرات مفهومی تنها برای کسانی نیست که از پوشش متفاوتی با مادران خود برخوردارند، بلکه افرادی را هم دربر می‌گیرد که فقط مثل مادران خود ظاهر می‌شوند، اما اعتقادی به آن ندارند. هنجارها و الگوهای رفتاری جوانان و همچنین بزرگسالان، طبق ویژگی‌ها و موقعیت‌های اجتماعی، متناسب با تاریخ نسل‌شان شکل می‌گیرد، که البته بیشتر تحت تأثیر قوانین حاکم بر جهان است. بنابراین طبیعی است که خرده‌فرهنگ جوانان جامعه از خرده‌فرهنگ بزرگسالان جامعه تا حدی از مرزهای طبیعی خود فراتر می‌رود و زنگ‌های خطر را برای گوش‌های شنوا و چشم‌های بیدار به‌کار می‌اندازد.

مشکل لباس، جزئی از فرهنگ مادی است که براساس فرهنگ دینی تفکرات و آگاهی‌ها انتخاب می‌شود. حال که رسانه‌های غربی در پی اشاعه فرهنگ مادی خود از جمله پوشش زنان هستند، ضروری است که زنان جهان اسلام با عقاید، ارزش‌ها و نیازهای خود بیشتر آشنا شوند و تحت تأثیر گسترش بدحجابی دیگر کشورها قرار نگیرند. بدین ترتیب، ضرورت روند رعایت حجاب اسلامی و ارتباط آن با امنیت اجتماعی زنان در اولویت قرار می‌گیرد. آشنایی دختران جوان با مبانی دینی در خانه و مدرسه خود زمینه‌ساز ممانعت از بدحجابی خواهد بود. به‌خطرافتادن امنیت اجتماعی زنان و دختران در ارتباط با بدحجابی مسئله قابل تأملی است که به پژوهش خاص خود نیاز دارد.

در حال حاضر، شاهد عدم رعایت این هنجار اجتماعی مهم در سطح جامعه، به‌ویژه شهر تهران، هستیم. در حالی که تعالیم اسلامی بر رعایت حجاب زنان در سطح جامعه تأکید دارد، تبلیغات رسانه‌ای، مجلات مد، شبکه‌های اینترنتی به‌همراه جامعه‌پذیری ضعیف ارزش‌های دینی در بین نسل جوان، رواج قرائت‌های جدید از دین و احکام دینی، خرافه‌گرایی و تحریف‌های شدیدی که بوسیله اشخاص فاقد صلاحیت دینی در این زمینه انجام می‌دهند، باعث شده است که حجاب به‌طور خاص و احکام دینی به‌طور عام رعایت نشود. نتایج پژوهش در این باره نشان می‌دهد که تقریباً ۵۴ درصد از زنان تهرانی حدود پوشش را رعایت نمی‌کنند و برخلاف قانون عمل می‌کنند. جدول زیر، وضعیت پوشش و آرایش زنان تهرانی را در سال ۱۳۸۰ نشان می‌دهد:

نوع پوشش و آرایش	فراوانی	درصد نسبی
پوشش اسلامی با چادر و بدون آرایش	۲۲۱۰	۳۲/۳
پوشش اسلامی با مانتو و بدون آرایش	۷۷۸	۱۱/۴
پوشش نسبتاً اسلامی با چادر و مقداری آرایش	۱۰۱	۱/۵
پوشش کمتر اسلامی با مانتو و آرایش	۳۰۰۱	۴۳/۸
پوشش خیلی کمتر اسلامی با مانتو و آرایش زیاد	۷۵۳	۱۱/۰
جمع	۶۸۴۳	۱۰۰/۰

منبع: تحقیق منتشر شده توسط محمدحسین رضایی در سال ۱۳۸۰ در تهران.

در تحقیقی دیگر، تحت عنوان «نگرش‌ها و رفتار دانشجویان»، ۶۷/۳ درصد از پاسخگویان رعایت حجاب را امری الزامی می‌دانند؛ ۳۸ درصد از پاسخگویان، حجاب را به اختیار و سلیقه خود فرد موکول می‌کنند و فقط ۲/۲ درصد از آنها حجاب را سنتی قدیمی و امری بازدارنده می‌دانند. (طرح پژوهشی وزارت علوم، ۱۳۸۲: ۳۷)

از آنجا که در جامعه اسلامی ما، پایبندی به ارزش‌هایی چون حجاب، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی تلقی می‌شود، هنجارمندشدن این ارزش، تضمین برخی مؤلفه‌های مهم اجتماعی را برای افراد جامعه به‌ویژه زنان دامن می‌زند. این متغیر مهم اجتماعی، «امنیت» است؛ چرا که امنیت یکی از نیازهای اولیه، فطری و ضروری بشر است و انسان تا پایان و در تمام مراحل زندگی خویش، نیازمند آن است. امنیت، بعد از نیازهای فیزیولوژیکی، اساسی‌ترین نیاز انسان است. در قرآن کریم، در سوره‌های نور/ ۵۵، انعام/ ۸۲، نحل/ ۴، فتح/ ۴، اعراف/ ۹۷، بحث امنیت را می‌توان مشاهده کرد. «امنیت» در لغت، حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله گویند (آشوری، ۱۳۷۹: ۳۹)؛ و امنیت اجتماعی عبارت است از شرایط و موقعیتی که فرد با احساس آسودگی خیال و آزادی فکر و عقیده فعالیت کند، و در عین حال که حداقلی از منابع و امکانات شغلی، مالی و اقتصادی در اختیار او است، با هماهنگی سایرین (چه اعضای داخلی یک جامعه و چه اعضای جوامع دیگر) و با تأسی از ارزش‌ها، هنجارها و سنن دینی - فرهنگی پذیرفته‌شده در کمال عدالت اجتماعی، در سایه همکاری و همنوایی جمعی، همراه با آرامش دیگران زندگی کند. (کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۲۸) از آنجا که «حجاب» موجب برقراری آرامش روانی، استحکام پیوند خانوادگی، استواری اجتماع، ارزش و احترام

زن می‌شود می‌تواند یکی از عوامل مهم برقراری امنیت اجتماعی در سطح جامعه، به‌ویژه برای زنان باشد و دقیقاً به همین خاطر است که در اسلام، رعایت حجاب از سوی زن در محیط اجتماع واجب شمرده شده است چرا که در جامعه‌ای که امنیت نباشد، استواری و ثبات آن جامعه دیری نخواهد پایید.

در پژوهش حاضر، سعی شده رابطه بین نوع حجاب و امنیت اجتماعی زنان در سطح جامعه بررسی شود. در این راستا، درجه برخورداری از امنیت یا تهدید اجتماعی زنان به تناسب رعایت حجاب، در پنج گروه از زنان با حجاب بسیار ضعیف (نامناسب)، ضعیف (نامناسب)، متوسط، خوب و عالی تحقیق می‌شود.

اهمیت و ضرورت پژوهش

باینکه تأمین امنیت اجتماعی در شمار مسئولیت‌های ملی است، از نقش عملکرد و رفتار فردی و حتی دیدگاه تک‌تک افراد جامعه درباره امنیت اجتماعی نمی‌توان غافل بود. با توجه به اینکه حجاب زنان یکی از ارکان اصلی نظام ارزشی جامعه ما محسوب می‌شود، نوع آن در بین زنان می‌تواند اهداف مهمی را در جامعه، چه در جنبه مثبت و چه در جنبه منفی آن رقم زند. از طرف دیگر، پوشش غیراسلامی زنان، می‌تواند زمینه‌ساز برخی هنجارشکنی‌ها و فرصت مناسبی برای تهدیدگران اجتماعی باشد و نکته مهم آنکه پوشش اسلامی زنان می‌تواند نقش مهمی در امنیت اخلاقی و اجتماعی آنها و نیز امنیت جامعه به‌طور کلی داشته باشد. بدین ترتیب، اهمیت حجاب و رابطه آن با امنیت اجتماعی به‌خوبی نمایان می‌شود و انجام چنین پژوهش‌هایی برای بررسی و دقت در این زمینه، جهت ارائه یک الگوی رفتاری و راهکارهای مناسب در برخورد با این پدیده مهم در جامعه، ضرورت پیدا می‌کند.

از این رو باید در راستای شناخت حلقه‌های ارتباط بین حجاب و امنیت اجتماعی کوشید و آن را برای اعضای جامعه روشن ساخت، تا زنان جامعه با آگاهی حاصل از فلسفه حجاب آن را رعایت نمایند.

زنان، عملکردها و رفتار عینی خود را در جامعه - که یک نمونه از آن حجاب است - در محدوده سیاست‌های فناورانه جهانی برمی‌شمارند و همزمان به ارزش‌های اسلامی و قرب بندگی خداوند سرنهاده‌اند؛ حال آنکه جمع این دو، امکان‌پذیر نیست. بسیاری از جوامع فناوری جهان، غرب را در حوزه‌های ارزشی، فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی پذیرفته‌اند. نباید فراموش کرد که بتوان در سیاستگذاری‌ها اخلاق متناسب با فطرت بشری را جست‌وجو کرده

و همزمان فناوری‌های کشورهای مادی را متناسب با فطرت بشری برشمرد. یکی در پی ایجاد زمینه برای پرستش خداوند است و دیگری با ارائه ناهنجاری‌های اخلاقی، زمینه‌ساز کسب قدرت شده است. نباید از یاد برد که هرگونه ناهنجاری متعارض با فطرت انسانی خود زمینه‌ساز بروز مخاطرات روحی در آینده خواهد بود. در نظام مادی (خودبنیادی امروزه) عواطف و سلیقه‌ها محکوم به خدمت به فناوری است. لذا آثار پیشرفته فناوری بر حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مخالف‌اند که زمینه‌ساز پژوهش‌های مبتنی بر نظام اسلامی شوند. در حال حاضر، زنان در پوشش خود به اخلاق مصرف‌گرایی بیش از حد توجه کرده‌اند. این مهم نیز به تدریج زمینه عدم استقلال و ایجاد وابستگی را فراهم می‌آورد. بهتر است بتوان زمینه‌هایی فراهم کرد که امور دینی، به‌ویژه حجاب زنان، به صورت کاربردی درآید و زنان ما توجه خود را از ملاک‌های نظام مادی دور سازند. این مهم، آنان را از احساس خودکم‌بینی و حقارت نیز دور می‌کند.

مروری بر تحقیقات پیشین

اهم تحقیقاتی که پیرامون موضوع مقاله حاضر انجام شده، به اجمال به شرح زیر است: در تحقیقی با عنوان «گرایش به حجاب و برداشت از آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی شهر تهران و علل و عوامل جامعه‌شناختی آن»، بین تحصیلات والدین و گرایش به حجاب رابطه معکوسی به دست آمده است و بین پذیرش حجاب از سوی دوستان و پذیرش حجاب از سوی افراد، همبستگی مستقیمی وجود داشت. (کرمانشاهیان، ۱۳۷۷) حسینی دوست با «بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی نسبت به پوشش زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» به این نتیجه رسیده است که بین پایگاه اجتماعی والدین، اعتقادات مذهبی والدین و حجاب همسالان با گرایش دانشجویان دختر به پوشش اسلامی رابطه معنی‌داری وجود دارد. (حسینی دوست، ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰)

رضایی در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی پوشش اسلامی»، حجاب را حراست از یکی از ارزش‌های اجتماعی، یعنی عفت و هنجارها (آداب و رسوم، عرف و قوانین) برشمرده است که در صورت رعایت نکردن آن آسیب‌هایی به نوع تعاملات اجتماعی، خانواده، و ارزش واقعی زن وارد می‌شود. او عواملی همچون شیخون فرهنگی، ایجاد حقارت در هویت اسلامی زنان و غیره را در شمار فشارهای غربی بر زنان برشمرده و موارد انحراف اجتماعی را در این راستا یادآور شده است؛ همچنین کارکردهای منفی

حجاب را آسیب به تعاملات مثبت اجتماعی، نهاد خانواده، ارزش‌های واقعی زن، افزایش هزینه مصرفی (آرایش و غیره) دانسته است. (رضایی، ۱۳۸۲)

درخصوص «امنیت»، پژوهش‌های زیادی انجام نشده است.

از جمله پژوهش‌های مهم در این زمینه، «بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان تهرانی»، (مرکز افکارسنجی دانشجویان، ۱۳۸۲) است.

این تحقیق، با روش پیمایش در نمونه‌ای ۱۴۷۵ نفر از افراد بالای ۱۸ سال ساکن شهر تهران انجام شده است. در این تحقیق، امنیت به این صورت تعریف شده است که فرد از زندگی در محیط اجتماعی خود هراسان و نگران نباشد و در تعامل با محیط اجتماعی خود از سوی دیگران احساس ایمنی کند، همچنین از ایمن بودن افراد و وابستگان خود نظیر اعضای خانواده و فرزندان در فضای اجتماعی مطمئن باشد و در مورد آن، خطری احساس نکند.

همچنان که به برخی تحقیقات انجام‌شده اشاره شد، پدیده «حجاب» و «امنیت» هر یک به‌طور جداگانه بررسی شده، اما پیرامون رابطه بین این دو متغیر مهم اجتماعی تحقیقی انجام نشده است. در این مقاله این دو موضوع در ارتباط با هم در بین زنان بررسی شده است.

چهارچوب مفهومی

بی‌تردید در توسعه و تکامل یک جامعه و نیز شکوفایی استعدادها، هیچ عنصری مهم‌تر از امنیت و تأمین آرامش در جامعه نیست؛ و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکان‌پذیر نیست. اصولاً برای رسیدن به میزانی از موفقیت در زندگی و برای رسیدن به اهداف والای انسانی به وجود امنیت و احساس امنیت نیاز است. نیاز به امنیت، یکی از ساختارهای اساسی و پایه‌ای تشکیل‌دهنده شخصیت فرد قلمداد می‌شود؛ و تا زمانی که فرد در زندگی روزمره خود احساس امنیت نکند، هیچ پیشرفتی در طول ساختار شخصیتی خود نخواهد کرد. (عربی، ۱۳۸۴: ۱۹۲) به‌علاوه، مقوله امنیت به‌مثابه یک آرمان و واقعیت، به‌عنوان یکی از حقوق اساسی مردم مطرح و دولت موظف به تأمین آن است.

اگر امنیت اجتماعی را شامل تمهیداتی برای حفظ زندگی اعضای یک جامعه - شانس زندگی - (گیدنز، ۱۳۷۴: ۶۲۷) و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان - شیوه

زندگی - (گیدنز، ۱۳۷۴: ۹۱) بدانیم، امنیت اجتماعی ناظر بر توانایی پاسداشت یا دفع تهدید از عنصری است که افراد یک جامعه را به همدیگر مرتبط می‌سازد. برای نمونه، اگر زنجیره اتصال اقلیتی، ملیت آنان است، امنیت اجتماعی آنان عبارت است از رفع دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی که به ویژگی خاص آنها مربوط است. (کلاهیچیان، ۱۳۸۴: ۱۴۱) از این رو می‌توان گفت که امنیت اجتماعی اولاً بر ساخته از فضای اجتماعی است (یعنی در بستری اجتماعی شکل می‌گیرد)، ثانیاً امنیت در عبارت امنیت اجتماعی، متغیری مستقل است چون پاسداشت ارزش‌های خاص صاحبان یک هویت خاص در حکم فلسفه وجودی آنها است. ثالثاً امنیت اجتماعی به لحاظ معنایی نه تنها به سطح امنیت فرد و امنیت ملی مربوط است، بلکه عبارت است از رهایی از اضطراب و تعقیب ایمنی در قبال یک گروه اجتماعی نظیر خانواده یا یک مجمع قومی، مذهبی و غیره. (نصیری، ۱۳۸۱: ۱۲۶؛ به نقل از کلاهیچیان، ۱۳۸۴)

بر اساس این تعریف، امنیت اجتماعی از دو بخش تشکیل می‌شود؛ دو بخشی که در عین حال که مکمل یکدیگرند، تقدم زمانی دارند، چنان‌که شانس زندگی، قبل از شیوه زندگی در دستور کار قرار دارد. در واقع امنیت اجتماعی در وهله اول باید زندگی افراد را تضمین کند و خطراتی را که امکان زندگی اعضای یک جامعه را به مخاطره می‌اندازد، از میان ببرد و در وهله دوم کمر در جهت راه و روش زندگی آنان باشد.

در این تعریف، جامعه بر مجموعه‌ای از افراد دلالت دارد که به دلیل داشتن صفات مشترک، دارای خصوصیات و خلیقات مشابه شده‌اند. افراد یک جامعه از الگوهای رفتاری یکسانی بهره می‌جویند که به طور ضمنی در صفات مشترکی ریشه دارند که میان آنان وجود دارد. بدین ترتیب، صفات مشترک مایه پیوند افراد جامعه به یکدیگر می‌شود و تشابه و همسانی میان آنان را رقم می‌زند.

اگر بخواهیم در مقام پاسخ به سؤال «امنیت برای چه کسی» برآییم، باید بگوییم که امنیت برای افرادی که جامعه را تشکیل می‌دهند؛ یعنی افرادی که به جهت اشتراک در دین و مذهب، جنس، قومیت، ملیت، سن، طبقه، شغل، خویشاوندی، علایق اجتماعی، هنری و امثال آن، هدف امنیت اجتماعی قرار می‌گیرند. نکته نهایی اینکه امنیت اجتماعی ناظر بر مبادلات اجتماعی و استفاده از آنها به مثابه فرصتی برای اطمینان بخشی و اعتمادسازی است. بر این اساس، امنیت اجتماعی از اجزای بنیادین زندگی امروزی است؛ چراکه علی‌رغم تمامی بحران‌ها، هنوز خشونت یک استثنا و مبادلات غیر خشونت‌آمیز یک قاعده است. و

می‌توان این سؤال را پرسید: روند حضور بشر در توسعه امنیت خانوادگی، شهری و جهانی به چه میزان است و امنیت انسان چگونه تأمین می‌شود؟

برحسب اینکه هدف امنیت چه باشد، شاخص‌های تهدید امنیت نیز متفاوت هستند. اگر هدف امنیت جامعه باشد. تهدیدات هویتی، منبع اساسی ناامنی است و پیوستگی و اتحاد میان اعضای جامعه، اولین ابزار تحقق امنیت است؛ و اما شاخص‌های تهدیدات امنیت اجتماعی در سطح کلان عبارت‌اند از:

(الف) پایبندی به دین، (ب) لباس و نحوه پوشش، (ج) آگاهی از تاریخ و گذشته، (د) عادات، سنن و فرهنگ‌های جاری، (ه) اشاعه باورها و عقاید، (ی) حفظ زبان و ادبیات. این شاخص، با تقویت هویت دینی و ایرانی - اسلامی افراد جامعه، افزایش حساسیت مردم در برابر احکام، سنن و رسوم دینی و افزایش تعاملات فرهنگی، افزایش تعلق خاطر به کشور، به‌طور غیرمستقیم در تأمین امنیت اجتماعی نقشی کلیدی ایفا می‌کنند و به‌طور پنهان و ریشه‌ای هویت اجتماعات را از درون تحت تأثیر قرار می‌دهند. آنچه در پژوهش حاضر به‌طور موشکافانه بررسی می‌شود، تأثیر لباس و نحوه پوشش زنان بر امنیت اجتماعی آنان است.

فرضیات تحقیق

۱. بین نوع حجاب فردی و میزان احساس امنیت اجتماعی زنان، رابطه وجود دارد، بدین معنا که هر چه حجاب بیشتر با موازین شرعی مطابق باشد، امنیت اجتماعی احساس شده نیز بیشتر خواهد بود.

۲. بین نوع حجاب فردی و تعداد و نوع تهدیدات وارد شده به زن، رابطه وجود دارد، به این معنا که هر چه حجاب نامناسب‌تر باشد، نوع تهدیدات شدیدتر می‌شود و تعداد آنها نیز افزایش می‌یابد.

ارزش و شکل‌گیری حجاب زنان و هنجارهای مورد قبول، مراحل طی می‌کنند که به اختصار عبارت‌اند از:

- شکل‌گیری ارزش‌ها،

- هنجارها،

- تبدیل یک پدیده مانند حجاب زنان به ارزش،

- ارزش اجتماعی حجاب زنان،

- هنجارآوری،

- ایجاد ارتباط بین حجاب زنان و بسترهای امنیت اجتماعی،

- تهدیدات کلان، میانی و خرد.

۳. بین نوع حجاب زن و میزان احساس امنیت فردی از سوی زن رابطه وجود دارد، به این معنا که هرچه حجاب فرد بیشتر با موازین اسلامی مطابقت داشته باشد، میزان امنیت احساس شده در او هم بیشتر می شود.

روش شناسی پژوهش

تعریف نظری حجاب

واژه حجاب در فرهنگ فارسی در سه معنا به کار رفته است: ۱. پرده و ستر، ۲. نقابی که زنان چهره خود بدن پوشانند، روبند، برقع، ۳. چادری که زنان سر تا پای خود را بدن پوشانند. (معین، ۱۳۴۲: ۱۳۴۰) حجاب در اصطلاح، پوششی است که اعضای بدن زن را به طور معمول و اعضایی از بدن را که زنده می نماید، بپوشاند و مطابق با دستورات دین اسلام باشد.

تعریف عملیاتی حجاب

در این پژوهش، این متغیر با استفاده از سؤالی که پنج گزینه دارد، سنجیده شد. از پاسخگویان خواسته شده بود نوع پوشش معمول خود را در اجتماع بیان کنند؛ همچنین از پرسشگر خواسته شده بود نوع پوشش پاسخگو را بعد از تکمیل پرسشنامه یادداشت کند. اما آن پنج گزینه عبارت اند از: الف) چادر و روسری (یا مقنعه)، ب) مانتو و روسری، ج) مانتو و روسری با آرایش، د) تونیک شلوار با شال و آرایش، ه) کت و دامن و شال.

تعریف نظری امنیت اجتماعی

«امنیت اجتماعی»، ناظر بر توانایی پاسداری یا دفع تهدید از عنصری است که افراد یک جامعه را به همدیگر مرتبط می سازد؛ برای نمونه، اگر زنجیره اتصال اقلیتی، ملیت آنها است، امنیت اجتماعی آنان عبارت است از رفع دغدغه ها و نگرانی هایی که به ویژگی خاص آنها مربوط است. (کلاهیچیان، ۱۳۸۴: ۱۴۱)

تعریف عملیاتی امنیت اجتماعی

متغیر امنیت اجتماعی از سه بعد (سیاسی، فرهنگی، اجتماعی - فردی) تشکیل شده که هر بعد با چند گویه سنجیده شده‌اند.

تعریف نظری امنیت فردی

حالتی که در آن فرد فارغ از آسیب‌رسیدن به جان یا مال یا آبروی خود یا ازدست‌دادن آنها زندگی کند. (آشوری، ۱۳۷۳: ۳۹)

تعریف عملیاتی امنیت فردی

متغیر امنیت فردی از سه بعد تشکیل شده است: احساسی، شناختی (فکری - عقلی) و عملی رفتاری، که هر بعد با گویه‌های مشخصی سنجیده شده‌اند.

روایی (Validity) و اعتبار (Reliability)

الف) روایی

منظور از تعیین درجه اعتبار درونی یا محتوای پرسشنامه این است که معلوم شود متغیرهای مورد نظر تا چه حد پرسشنامه اندازه‌گیری می‌شود. به بیان دیگر، وقتی می‌توان گفت اعتبار وسیله اندازه‌گیری، رضایت‌بخش است که تفاوت‌های مشهود در نمرات افراد که با آن به‌دست آمده است، معرف تفاوت‌های واقعی بین افراد باشد. در پژوهش حاضر، از روش اعتبار معیار استفاده شده است.

ب) اعتبار

در این پژوهش، برای بررسی همبستگی بین گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرهای اصلی تحقیق در یک آزمون مقدماتی به تعداد ۴۰ نفر، پرسشنامه‌ای تدوین و ضریب آلفای کرونباخ متغیرها محاسبه شد. از آنجا که از بین متغیرهای اصلی پژوهش حاضر، نوع پوشش زنان در سطح سنجش اسمی اندازه‌گیری شده است و امنیت اجتماعی و فردی در سطح فاصله‌ای سنجیده می‌شود ضریب آلفای کرونباخ دو متغیر اصلی یعنی امنیت اجتماعی و فردی محاسبه شده، چراکه به‌دست‌آوردن ضریب آلفای کرونباخ

متغیرها، مستلزم فاصله‌ای بودن آنها است که غالباً گویه‌های مربوط به آن متغیرها براساس طیف لیکرت تنظیم می‌شود.

ردیف	طیف	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
۱	امنیت فردی (احساسی، شناختی، عملی رفتاری)	۱۵	۰/۷۷
۲	امنیت اجتماعی (سیاسی، فرهنگی، اجتماعی - فردی)	۱۲	٪۶۸

شایان ذکر است که دو مفهوم اصلی امنیت فردی و امنیت اجتماعی، هر یک از سه بعد تشکیل شده‌اند که شاخص هر کدام پس از محاسبه و ترکیب شدن ابعاد مربوط به دست آمده است. بدیهی است که ضریب آلفای کرونباخ در چنین مواردی، با وارد کردن همه گویه‌های ابعاد یک مفهوم به دست می‌آید.

روش پژوهش و گردآوری داده‌ها

روش مطالعه در این پژوهش، از نوع تحقیق پیمایشی است. که یکی از روش‌های رایج در تحقیقات اجتماعی است. از آنجاکه، در تحقیق حاضر در نظر است تا رابطه نوع پوشش زنان و امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تهران بررسی شود، از دو روش کتابخانه‌ای (اسنادی) و پیمایشی استفاده می‌شود. در روش تحقیق پیمایشی، ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است؛ که در اینجا سؤالات پرسشنامه به صورت باز و بسته تدوین شده است.

جمعیت و نمونه آماری

جمعیت آماری مورد مطالعه عبارت است از تمامی زنان شهر تهران که در زمان انجام تحقیق حاضر در شهر تهران ساکن‌اند و نمونه آماری مورد بررسی، زنان ۱۸ تا ۵۰ سال شهر تهران را شامل می‌شود.

حجم و روش نمونه‌گیری

حجم نمونه آماری در این پژوهش، با استفاده از فرمول کوکران، ۹۶۵ نفر محاسبه شد؛ اما

با توجه به موضوع پژوهش، و روش نمونه‌گیری در مراکز عمومی شهر از جمله مراکز فرهنگی و هنری، درمانی، اقتصادی و تجاری و ... که در این اماکن غالباً مردم کمتر با پرسشگران همکاری می‌کنند و نیز برای بالا بردن دقت نمونه‌گیری، حجم نمونه برای رفع مشکل داده‌های گمشده و پرسشنامه‌های ناقص به ۱۱۰۰ نفر افزایش یافت که در نهایت پس از بررسی و بازبینی پرسشنامه‌ها و حذف پرسشنامه‌های ناقص، در مورد ۱۰۰۰ پرسشنامه تحلیل آماری انجام شد.

در این تحقیق، به‌علت وضعیت خاص جمعیت آماری و موضوع تحقیق، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است، به این معنا که در ابتدا شهر تهران به سه قسمت عمده بالا، مرکز و پایین شهر تقسیم می‌شود و مناطق شهرداری این سه قسمت مشخص شد. از مناطق شهرداری هر قسمت به صورت تصادفی دو منطقه شهرداری انتخاب و برای هر منطقه، فهرستی شامل: ۱. مراکز مذهبی (مساجد، اماکن زیارتی، ...)، ۲. مراکز تفریحی و گردشگری (پارک‌ها، سینماها، فرهنگسراها و موزه‌ها)، ۳. مراکز بهداشتی - درمانی، ۴. مراکز تجاری و خرید تهیه شد و از فهرست هر کدام از موارد دو گزینه به صورت تصادفی انتخاب شد و پرسشنامه‌ها توسط پرسشگران معرب در مکان‌های مشخص شده تکمیل کردند.

یافته‌های تحقیق

۱. متغیر مستقل

جدول ۱. نوع پوشش گروه نمونه

ردیف	پوشش معمول گروه نمونه	فراوانی	درصد
۱	چادر و روسری (مقنعه)	۳۶۱	۳۶/۱
۲	مانتو و روسری	۳۲۹	۳۲/۹
۳	مانتو و روسری با آرایش	۲۲۳	۲۲/۳
۴	تونیک شلوار با شال و آرایش	۳۹	۳/۹
۵	کت و دامن و شال	۲۲	۲/۲
۶	سایر	۱۶	۱/۶
	کل	۱۰۰۰	۱۰۰/۰

یافته‌های جدول نشان می‌دهد که ۳۶/۱ درصد از پاسخگویان نوع پوشش خود را چادر و روسری و ۳۲/۹ درصد پوشش خود را مانتو و روسری اظهار داشته‌اند. این یافته

در تقابل با نتایج تحقیقات پیشین قرار دارد که علت آن اولاً همزمانی انجام بخشی از این پژوهش با اجرای طرح امنیت اجتماعی ناجا است، و ثانیاً زنانی که پوشش آنان مانتو و روسری بوده پرسشنامه‌ها را ناقص تکمیل کرده بودند و طبیعتاً این پرسشنامه‌ها وارد داده‌ها نشدند و از این رو درصد زنانی که پوشش آنان چادر و روسری بود، بیشتر شده است. این درحالی است که تنها ۲/۲ درصد از آنها پوشش معمول خود را کت، دامن و شال اعلام کردند. به‌طور کلی، همچنان‌که در جدول نیز مشاهده می‌شود - پوشش معمول اکثر زنان (۶۹ درصد)، چادر و روسری، و مانتو و روسری یا مقنعه بوده است. شایان ذکر است که افرادی که گزینه «سایر» را انتخاب کرده‌اند، اکثراً پوشش خود را مانتو و مقنعه یا چادر و روسری با آرایش ملایم اعلام کرده‌اند.

۲. متغیر وابسته

جدول ۲. میزان امنیت اجتماعی

درصد	فراوانی	
۱۲/۰	۱۲۰	خیلی زیاد
۶۴/۲	۶۴۲	زیاد
۲۳/۰	۲۳۰	کم
۰/۸	۸	خیلی کم
۰	۰	اصلاً
۱۰۰/۰	۱۰۰۰	کل
	۳/۸۷	میانگین (۱-۵)
	۰/۶۰۵	انحراف معیار

جدول ۲ نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان (۷۶/۲ درصد)، امنیت اجتماعی را در سطح بالایی دانسته‌اند و درصد نامحسوس و کمی از آنها نبود امنیت را در سطح شهر تهران اعلام کرده‌اند. اما از جدول ۳ چنین برمی‌آید که امنیت اجتماعی - فردی در سطح پایینی است؛ ولی از آنجاکه سایر ابعاد امنیت در سطح بالایی قرار دارد، این سطح پایین امنیت اجتماعی - فردی پوشانده شده است. از آنجاکه بین حجاب و امنیت اجتماعی - فردی رابطه‌ای بسیار قوی وجود دارد، بالابودن میزان کل امنیت اجتماعی نباید این احساس را به‌وجود آورد که بین حجاب و امنیت رابطه ضعیفی وجود دارد.

جدول ۳. مقایسه ابعاد امنیت اجتماعی

طبقات	ابعاد	امنیت سیاسی	امنیت فرهنگی	امنیت اجتماعی - فردی
اصلاً	۰/۲	.	۱۴/۶	
خیلی کم	۳/۹	۲/۴	۳۲/۰	
کم	۲۱/۵	۱۱/۴	۳۴/۵	
زیاد	۴۱/۸	۴۷/۷	۱۶/۷	
خیلی زیاد	۳۲/۶	۳۸/۵	۲/۲	
کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
میانگین (۱ - ۵)	۴/۰۲۷۰	۴/۲۲۳۰	۲/۵۹۹۰	
انحراف معیار	۰/۸۴۵۵۷	۰/۸۳۸۷۹	۰/۹۹۹۶۰	

مقایسه ابعاد امنیت اجتماعی در جدول ۳ نشانگر آن است که میانگین امنیت فرهنگی (۴/۲۲۳) در بین پاسخگویان بیشتر از سایر ابعاد و میانگین امنیت اجتماعی - فردی (۲/۵۹۹) آنها کمتر از دیگر ابعاد امنیت اجتماعی است.

۳. جداول تقاطعی

جدول ۴. نوع پوشش و میزان امنیت فردی گروه نمونه

sig	توافقی پیرسون	کل	اصلاً	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد	امنیت فردی / نوع پوشش
۰/۰۰۰	۰/۴۹	۱۰۰/۰	.		۳/۳	۲۳/۸	۷۲/۹	چادر و روسری (مقنعه)
		۱۰۰/۰	.	۱/۵	۸/۵	۵۵/۹	۳۴/۰	مانتو و روسری
		۱۰۰/۰	.	۳/۴	۱۹/۳	۶۰/۱	۱۷/۲	مانتو و روسری با آرایش
		۱۰۰/۰	۰	۵/۱	۵۱/۳	۳۸/۵	۵/۱	تونیک شلوار با شال و آرایش
		۱۰۰/۰	.		۳۱/۸	۵۴/۵	۱۳/۶	کت و دامن و شال
		۱۰۰/۰	۰	۰	۳۱/۳	۴۳/۸	۱۲/۵	سایر
		۱۰۰/۰	.	۱/۵	۱۱/۴	۴۴/۹	۴۲/۲	کل

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، ۹۶ درصد زنانی که پوشش معمول آنان

چادر و روسری بوده میزان احساس امنیت فردی خود را خیلی زیاد و زیاد اعلام کرده‌اند، درحالی‌که فقط ۴۳/۶ درصد زنانی که پوشش معمول آنان تونیک شلوار با شال و آرایش بوده، میزان امنیت فردی خود را خیلی زیاد اعلام کرده‌اند. بررسی سایر مقایسه‌ها هم نشان می‌دهد که هر چه پوشش زنان نامناسب‌تر می‌شود، میزان احساس امنیت فردی کاهش می‌یابد. ضریب توافقی پیرسون نشان دهنده آن است که روابط مشاهده‌شده در جدول بالا معنی‌دار است.

جدول ۵. نوع پوشش و امنیت اجتماعی زنان

طبقات و آماره نوع پوشش	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	اصلاً	کل	توافقی پیرسون	sig
چادر و روسری (مقنعه)	۱۸/۰	۷۱/۵	۱۰/۵	۰	۰	۱۰۰/۰	۰/۳۷	۰/۰۰۰
مانتو و روسری	۱۴/۰	۶۴/۱	۲۱/۶	۰/۳	۰	۱۰۰/۰		
مانتو و روسری با آرایش	۳/۰	۵۷/۹	۳۸/۲	۰/۹	۰	۱۰۰/۰		
تونیک شلوار با شال و آرایش	۲/۶	۳۰/۸	۵۶/۴	۱۰/۳	۰	۱۰۰/۰		
کت و دامن و شال	۴/۵	۶۷/۲	۲۲/۷	۴/۵	۰	۱۰۰/۰		
سایر	۰	۶۷/۸	۳۱/۳	۰	۰	۱۰۰/۰		
کل	۱۲/۰	۶۴/۲	۲۳/۰	۰/۸	۰	۱۰۰/۰		

یافته‌های جدول ۵ حاکی از آن است که زنانی که پوشش آنها چادر و روسری بوده، از سایر گروه‌ها امنیت بیشتری داشته‌اند. ۸۹/۵ درصد از افراد این گروه، امنیت اجتماعی در حد خیلی زیاد و زیاد داشته‌اند. درحالی‌که ۳۳/۴ درصد زنانی که پوشش تونیک شلوار با شال و آرایش داشته‌اند، میزان امنیت اجتماعی‌شان در حد خیلی زیاد و زیاد بوده است. ضریب توافقی پیرسون نیز بین نوع پوشش و امنیت اجتماعی رابطه معنی‌داری نشان می‌دهد.

آزمون فرضیات تحقیق

فرضیه اول: بین نوع حجاب فرد و میزان احساس امنیت اجتماعی او رابطه وجود دارد، بدین معنا که هرچه حجاب فرد با موازین شرعی مطابق باشد، فرد نیز احساس امنیت اجتماعی می‌کند.

جدول ۶. آزمون فرضیه اول

Sig	F	sig	Eta	
۰/۰۰	۳۲/۸۷	۰/۰۱	۰/۳۸	نوع حجاب امنیت اجتماعی

از آنجا که در فرضیه اول سطح سنجش نوع حجاب اسمی بوده و از شاخص امنیت اجتماعی استفاده شده، برای بررسی رابطه دو متغیر مذکور از آماره Eta سود جستیم و برای مقایسه میانگین امنیت اجتماعی گروه‌های مختلف زنان از F استفاده شده است. همچنان که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، مقدار Eta به دست آمده ۰/۳۸ است که با توجه به سطح معنی داری، نتیجه می‌شود که بین دو متغیر فوق رابطه وجود دارد. همچنین برای صدق و کذب رابطه مشاهده شده از آزمون فیشر استفاده شد که اولاً صادق بودن رابطه تأیید شد و ثانیاً نشان داد که بین میانگین امنیت اجتماعی زنان (که پوشش‌های متفاوتی دارند) اختلاف معنی داری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین نوع حجاب فرد و تعداد و نوع تهدیدات وارد شده به فرد رابطه وجود دارد به این معنا که چه قدر حجاب فرد نا مناسب تر باشد نوع تهدیدات شدیدتر و تعداد آنها افزایش می‌یابد.

جدول ۷. آزمون فرضیه دوم

سطح معنی داری	توافق پیرسون	سایر	کت و دامن و شال	قویکی شلوار با شال و آرایش	مانتو و روسری با آرایش	مانتو و روسری	چادر و روسری	پوشش	نوع تهدیدات
		۱/۷	۰	۹/۱	۱۹/۸	۳۳/۱	۳۶/۴		تعقیب شدن
		۲/۲	۴/۰	۱/۴	۱۶/۲	۳۴/۳	۴۱/۹		متلک شنیدن
		۱/۲	۰	۳/۲	۲۳/۳	۳۳/۷	۳۹/۵		تنه خوردن
		۳/۷	۱/۹	۱۱/۱	۱۶/۷	۴۸/۱	۱۸/۵		قاپیدن کیف
		۳/۷	۳/۷	۱۸/۵	۱۴/۸	۲۹/۶	۲۹/۶		سایر موارد

سطح معنی داری	توافق پیرسون	سایر	کت و دامن و شال	توپیک شلوار با شال و آرایش	مانتو و روسری با آرایش	مانتو و روسری	چادر و روسری	پوشش	
								نوع تهدیدات	
۰/۰۰	۰/۴۹	۰	۰	۰	۴۸/۹	۲۹/۸	۲۱/۳	تعقیب شدن و متلک شنیدن	
		۰	۱۱/۱	۰	۵۵/۶	۳۳/۳	۰	تعقیب شدن و تنه خوردن	
		۰	۰	۱۴/۳	۱۴/۳	۵۷/۱	۱۴/۳	تعقیب شدن و قاپیدن کیف	
		۴/۳	۴/۳	۲/۱	۲۷/۷	۳۴/۰	۲۷/۷	متلک شنیدن و تنه خوردن	
		۰	۰	۱۳/۳	۳۳/۳	۵۳/۳	۰	متلک شنیدن و قاپیدن کیف	
		۰	۰	۱۴/۳	۱۴/۳	۰	۷۱/۴	تنه خوردن و قاپیدن کیف	
		۰/۷	۰	۰/۷	۴۷/۸	۲۹/۴	۲۱/۳	تعقیب شدن، متلک شنیدن و تنه خوردن	
		۰	۰	۴۰/۰	۰	۴۰/۰	۲۰/۰	تعقیب شدن، متلک شنیدن و قاپیدن کیف	

بر اساس جدول بالا و سطح معنی داری و ضریب توافقی پیرسون می توان گفت که بین نوع حجاب و مزاحمت، پیوستگی معناداری وجود دارد. چنان که در جدول بالا مشاهده می شود، تعقیب شدن، متلک شنیدن و تنه خوردن در بین زنانی که چادر و روسری دارند بیشتر از زنانی است که پوشش متفاوتی دارند. در تفسیر این نتیجه، به دو نکته می توان اشاره کرد: اولاً زنان در جامعه امروز ما بالقوه سوژه هستند و مزاحمان بدون توجه به نوع پوشش، اعمال منافعی عفت انجام می دهند؛ ثانیاً با توجه به اینکه در پژوهش حاضر تعداد زنان با پوشش چادر و روسری از تعداد زنان با سایر انواع پوشش ها بیشتر بود (جدول ۱)، این نتیجه تا حدودی طبیعی به نظر می رسد.

از سوی دیگر، قاپیدن کیف در بین زنانی که پوشش آنها مانتو و روسری است، تعقیب شدن و متلک شنیدن در میان زنانی که پوشش آنان مانتو و روسری با آرایش بوده و تعقیب شدن و تنه خوردن در بین زنانی که پوشش آنها مانتو و روسری با آرایش بوده از انواع دیگر پوشش ها بیشتر است.

فرضیه سوم: بین حجاب زن و میزان احساس امنیت فردی او رابطه وجود دارد، به این معنا که هرچه حجاب فرد با موازین اسلامی بیشتر مطابقت داشته باشد، میزان امنیتی که احساس می کند نیز بیشتر خواهد بود.

جدول ۸. آزمون فرضیه سوم

Sig	F	sig	Eta	
۰/۰۰	۹۶/۲۴۴	۰/۰۱۱	۰/۵۷	نوع حجاب امنیت فردی

چنان‌که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، مقدار Eta، ۰/۵۷ است که با توجه به سطح معنی‌داری، بین دو متغیر فوق رابطه وجود دارد. همچنین برای صدق و کذب رابطه مشاهده‌شده از آزمون فیشر استفاده کردیم که اولاً صادق بودن رابطه را تأیید شد و ثانیاً نشان داد که بین میانگین امنیت فردی زنان (که پوشش‌های متفاوتی دارند) اختلاف معنی‌داری وجود دارد.

نتایج حاصل از تحلیل و رگرسیون با روش کدگذاری تصنعی (Dummy)

بررسی رابطه میان متغیر نوع حجاب و امنیت اجتماعی

برای بررسی رابطه میان متغیر نوع حجاب و امنیت اجتماعی، از رگرسیون تصنعی استفاده شده است. در رگرسیون تصنعی، مقدار عرض از مبدأ میانگین گروه غیر عضو است و شیب رگرسیون معادل تفاضل میانگین گروه غیر عضو از گروه عضو است. در اینجا، زنان چادری به‌عنوان گروه عضو و زنان غیرچادری به‌عنوان گروه غیر عضو در نظر گرفته شده‌اند و در بردارسازی، به چادری‌ها کد «۱» و به غیرچادری‌ها کد «۰» داده شده است.

معادله رگرسیونی

$$y=52/16+(8/01)x$$

بر اساس جدول ۹، میانگین امنیت اجتماعی غیرچادری‌ها ۵۲/۱۶ و میانگین امنیت اجتماعی چادری‌ها ۶۰/۱۷ است. مقدار F و سطح معنی‌داری نشان می‌دهد که اختلاف میان میانگین‌های چادری‌ها و غیرچادری‌ها معنی‌دار است. مقدار ضریب تعیین ۰/۲۲ به‌دست آمده که معنای آن این است که ۰/۲۲ از واریانس امنیت اجتماعی با نوع حجاب تبیین شده و ۰/۷۸ از واریانس تبیین‌نشده امنیت اجتماعی به عوامل دیگری مربوط است.

جدول ۹. اجرای تحلیل و رگرسیون با روش کدگذاری تصنعی

R Square ¹	R ²	Sig. ³	F	B ⁴	Constant (a) ⁵
۰/۲۲۳	۰/۴۷۳	۰/۰۰	۲۸۷/۱۶	۵۲/۱۶	۸/۰۱
					نوع حجاب

۱. مجذور ضریب همبستگی چند متغیری؛ ۲. ضریب همبستگی چند متغیری؛ ۳. سطح معنی دار بودن؛ ۴. ضریب رگرسیون؛ ۵. مقدار ثابت معادله.

نتیجه گیری

براساس آنچه در این پژوهش به دست آمده است، می توان گفت که میزان احساس امنیت اجتماعی زنان در سطح بالایی قرار دارد؛ اما با بررسی ابعاد شاخص امنیت اجتماعی معلوم می شود که بالا بودن ابعاد فرهنگی (۴/۲۲) و سیاسی (۴/۰۲) باعث شده است میزان کل شاخص بالا برود اما بعد اجتماعی به فردی (۲/۵۹) که در پژوهش حاضر اهمیت به سزایی دارد، در سطح پایینی قرار دارد. لذا در به کار بردن این شاخص باید احتیاط کرد و به نکته مهم بالا توجه کرد. جدول ۴، گویایی بیشتری دارد و با آن، این مشکل حل شده است. هرچند که روابط بین نوع پوشش و میزان کل امنیت اجتماعی معنی دار بود و بیانگر آن است که هرچه پوشش افراد با موازین اسلامی بیشتر انطباق داشته باشد، افراد امنیت اجتماعی بالاتری دارند، روابط مشاهده شده در جدول ۴ قوی تر است و این روابط را بهتر نشان می دهد.

همان طور که در چهارچوب مفهومی نیز عنوان شد، امنیت اجتماعی در معرض تهدیداتی است نظیر حفظ زبان و ادبیات، لباس و نحوه پوشش، آگاهی از تاریخ و گذشته، عادات، سنن و فرهنگ های جاری، اشاعه عقاید. این موارد، هم فرصت هستند، هم تهدید. اگر در جامعه به صورت فعال و منظم بر روی این موارد طرح علمی انجام شود و به دنبال تقویت آن باشیم، توانسته ایم تهدیدات را به فرصت تبدیل کنیم؛ ولی اگر در مقابل اینها موضع انفعالی بگیریم، از تهدید آنها مصون نخواهیم ماند. یکی از این موارد، لباس و نحوه پوشش اعضای یک جامعه است. براساس نتایج به دست آمده از رگرسیون تصنعی می توان گفت که قدرت تبیینی متغیر نحوه پوشش ۲۲ درصد است؛ و این بدان معنا است که متغیر نحوه پوشش توانسته است ۲۲ درصد از واریانس متغیر وابسته (امنیت اجتماعی) را تبیین کند و ۷۸ درصد از واریانس متغیر وابسته مربوط به متغیرهای دیگر است. نکته مهم این است که در

مسائل اجتماعی وقتی که متغیری قدرت تبیینی ۲۲ درصدی داشته باشد، از آن متغیر به‌عنوان عاملی فوق‌العاده نیرومند و حیاتی نام می‌برند. بر این اساس شایسته است که به نحوه پوشش زنان در سطح جامعه توجه بیشتری مبذول شود.

خوشبختانه این نکته برای نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران آشکار شده است و ما شاهد اجرای طرح امنیت اجتماعی، امنیت اخلاقی در سطح کشور هستیم. البته کنترل و اعمال قانون تنها یک راه برای مبارزه با بدحجابی است و راه بنیادی‌تر از میان خانواده‌ها و مدارس می‌گذرد؛ به زبان جامعه‌شناختی، در فرایند جامعه‌پذیری است که کودکان و نوجوانان باید رعایت پوشش مناسب و اسلامی را درونی کنند. البته اعمال قانون برای کسانی که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را نادیده می‌گیرند، ضروری است.

با توجه به نقشی که پوشش فرد در امنیت اجتماعی و به‌ویژه در امنیت فردی دارد، علل گرایش به بی‌حجابی چیست؟ آیا فرد بی‌حجاب اهدافی دارد که با رعایت حجاب نمی‌تواند به آن اهداف برسد؟ اگر پاسخ مثبت است، آیا آن اهداف در چهارچوب نظام ارزشی جامعه ما پذیرفته شده است؟ و اگر نه، آن اهداف چگونه ایجاد شده‌اند؟ آن جریان نیازآفرینی که باعث شده نیازهای جدید و به تبع آن اهداف جدید در جامعه تولید شود، از کجا نشأت می‌گیرد؟ و آیا وضع موجود، ناشی از انفعال ما در طول سالیان گذشته در زمینه طراحی یک الگوی مشارکت زنان نیست؟ به‌نظر می‌رسد کوتاهی ما، عدم طراحی یک الگوی جامع و کارآمد مبتنی بر کتاب و سنت است که بخشی از آن به حجاب به مفهوم عام مربوط می‌شود. چگونه می‌توان از تمدن اسلامی در مقیاس جهانی سخن گفت اما در قبال ایجاد مفاهیم و معادلات کاربردی منبعث از نظام فکری جامعه اسلامی، احساس تعهدی نکرد؟^۱

پی‌نوشت

۱. قدردانی: در پایان از کمک‌های بی‌دریغ دکتر شهلا باقری - مشاور طرح -، عباس هومن که در تهیه و تدوین پرسشنامه و شاپور زردموی و معصوم آقازاده که در تجزیه و تحلیل آماری، ما را یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

منابع

قرآن کریم.

آشوری، داریوش (۱۳۷۹). *دانشنامه سیاسی*، تهران: مروارید.

- جهانگیر، منصور (۱۳۸۲). *قانون مجازات اسلامی*، تهران: نشر دیدار.
- حسینی دوست، سیدمرتضی (۱۳۷۹ - ۱۳۸۰). *بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی نسبت به پوشش زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، مقطع کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی.
- رضایی، محمد حسین (۱۳۸۲). *تحلیل جامعه‌شناختی پوشش اسلامی*، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- طرح پژوهشی وزارت علوم (۱۳۸۲). *نگرش‌ها و رفتار دانشجویان*، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- عربی، فرانک (۱۳۸۴). «بررسی امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان ۸ شهر»، *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی*، شماره سوم، تهران: نشر آشنایی.
- کاشانی، مجید (۱۳۸۴). «نقش نهادهای آموزشی در برقراری، نظارت و حفظ امنیت ملی»، *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی شماره سوم*، تهران: نشر آشنایی.
- کرمانشاهیان، ام‌البنین (۱۳۷۶ - ۱۳۷۷). *گرایش به حجاب و برداشت از آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی شهر تهران و علل و عوامل جامعه‌شناختی آن*، دانشگاه الزهراء، مقطع کارشناسی ارشد، رشته پژوهشگری علوم اجتماعی.
- کلاهچیان، محمود (۱۳۸۴). «راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی»، *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی شماره یک*، تهران: نشر گلپونه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- معین، محمد (۱۳۴۲). *فرهنگ فارسی*، ج سوم، تهران: امیرکبیر.